

## In search of seven healing jewels among seven fragrant fires: Reflections of some sacred heptads in Middle Iranian Manichaean texts

Akram Razgordani Sharahi<sup>1</sup>, Mohammad Shokri-Foumeshi<sup>2</sup>, Timothy Pettipiece<sup>3</sup>, Mostafa Farhoudi<sup>4</sup>

<sup>1</sup> PhD candidate, Department of Eastern Religions, Faculty of World Religions, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: arazgordanish@gmail.com

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Eastern Religions, Faculty of World Religions, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. (Corresponding Author). Email: mshokrif@urd.ac.ir

<sup>3</sup> Faculty member, College of the Humanities, Carleton University, Ottawa, Canada. Email: timothy.pettipiece@carleton.ca

<sup>4</sup> Assistant Professor, Department of Eastern Religions, Faculty of World Religions, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: mfarhoudi2@yahoo.com

### Abstract

Numbers have consistently constituted an integral part of the structure of sacred literature in ancient Mesopotamia, and the major religions that emerged in this region and its surroundings are indebted to this ancient legacy. At the heart of Sassanid Babylonia, Manichaeism, drawing upon the core teachings of preceding religions, employed specific numbers to convey key religious concepts. This article seeks to analyze Middle Iranian manuscripts recovered from Turfan, Xinjiang, China, in order to identify the metaphors and similes used by Manichaeans to present Mani's heptad writings. This study provides documented evidence of how Mani portrayed himself as a healer and physician, and how his works—referred to in authentic Manichaean texts as “the seven efficacious jewels”, “the seven healing tools”, “the seven precious rock crystals”, and even, in emulation of Zoroastrian teachings, “the seven fragrant fires” were regarded as remedies for the human soul. This study explores the central role of the seven books of Mani and the associated religious approaches in Middle Persian and Parthian texts, while also drawing on non-Iranian sources such as Coptic and Greek texts to interpret the findings. The article revises certain previously held views.

**Keywords:** The Manichaean number seven, Manichaean numerology, The seven Manichaean jewels, The seven Manichaean fires, The seven healing tools of Mani

<b>Receive Date:</b> 25 June 2025	<b>Revise Date:</b> 07 Sep 2025	<b>Accept Date:</b> 16 Sep 2025
<b>How to Cite:</b> Razgordani Sharahi, A.; Shokri-Foumeshi, M.; Pettipiece, T. & Farhoudi, M. (2024). In search of seven healing jewels among seven fragrant fires: Reflections of some sacred heptads in Middle Iranian Manichaean texts. <i>Journal of Ancient Culture and Languages</i> , 5(1), 165-187.		
<b>Publisher:</b> Yadegare Bastan Research Center for Ancient Culture and Languages		

## جستجوی هفت گوهر شفا بخش میان هفت آذر خوشبوی: بازتاب برخی هفت‌گانه‌های مقدس در متون ایرانی میانه مانوی

اکرم رازگردانی شراهی<sup>۱</sup>، محمد شکری فومشی<sup>۲</sup>، تیموتی پتیپیس<sup>۳</sup>، مصطفی فرهودی<sup>۴</sup>  
<sup>۱</sup>دانشجوی دکترای ادیان ایرانی، گروه ادیان شرق، دانشکده ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. ایمیل:  
arazgordanish@gmail.com  
<sup>۲</sup>استادیار گروه ادیان شرق، دانشکده ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. (نویسنده مسئول). ایمیل: mshokrif@urd.ac.ir  
<sup>۳</sup>استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کارلتون، اتاوا، کانادا. ایمیل: timothy.pettipiece@carleton.ca  
<sup>۴</sup>استادیار گروه ادیان شرق، دانشکده ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. ایمیل: mfarhoudi2@yahoo.com

### چکیده

عدد همواره جزئی جدانشدنی از بافتار ادبیات مقدس میان‌رودان باستان بوده و ادیان مهمی که در این بخش از دنیا و پیرامون آن پدید آمده‌اند وام‌دار میراث کهن آن هستند. مانویت در قلب بابل با الگوبرداری از آموزه‌های بنیادین ادیان پیش از خود، اعداد بخصوصی را برای انتقال مفاهیم مهم دینی‌اش به خدمت گرفته است. مقاله حاضر می‌کوشد با تجزیه و تحلیل دست‌نویس‌های ایرانی میانه باز یافته از تورفان تمثیل‌ها و تشبیهاتی را که مانویان جهت معرفی آثار نوشتاری هفت‌گانه مانوی به کار می‌برده‌اند بازشناسد و مستند نشان دهد مانوی چگونه خود را طیب و پزشکی از بابل زمین می‌خواند و کتاب‌هایش را که بنا بر متون اصیل مانوی «هفت گوهر درخشان» و «هفت ابزار شفا بخش» و «هفت بلور اصیل» و حتی جهت تشبیه به آموزه زرتشتی «هفت آذر خوشبوی» نامیده شده‌اند، درمان‌بخش جان آدمیان می‌دانست. این پژوهش می‌کوشد نقش محوری این هفت گوهر مانوی و رویکردهای دینی مترتب بر آن را در متون فارسی میانه و پارتی بیابد و آنگاه در ضمن بهره‌مندی از داده‌های غیرایرانی، مانند متون قبطی و یونانی، به تفسیر داده‌ها بپردازد. مقاله حاضر برخی دیدگاه‌های پیشین را اصلاح می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** عدد هفت مانوی، عددشناسی مانوی، هفت گوهر مانوی، هفت آذر مانوی، هفت ابزار طبابت

مانی

تاریخ دریافت: ۰۴ تیر ۱۴۰۴	تاریخ بازنگری: ۱۶ شهریور ۱۴۰۴	تاریخ پذیرش: ۲۵ شهریور ۱۴۰۴
استناد به این مقاله: رازگردانی شراهی، ا.؛ شکری فومشی، م.؛ پتیپیس، ت.؛ و فرهودی، م. (۱۴۰۳). جستجوی هفت گوهر شفا بخش میان هفت آذر خوشبوی: بازتاب برخی هفت‌گانه‌های مقدس در متون ایرانی میانه مانوی. پژوهشنامه فرهنگ و زبان‌های باستان، (۱)۵، ۱۶۵-۱۸۷.		
ناشر: مؤسسه پژوهشی فرهنگ و زبان‌های باستانی یادگار باستان		

## ۱. مقدمه

فهم صحیح ادیان بدون آگاهی از مفهوم اعداد در کتب مقدس‌شان شاید ممکن باشد؛ اما کامل نخواهد بود. نیک پیداست که میزان تقدس و ارزش اعداد از دید فرهنگ‌ها و ادیان مختلف متفاوت است و در این میان کمتر کسی است که از عدد هفت نقشی در ذهن نداشته باشد. کاربرد قدسی این عدد به‌گونه‌ای با باورهای مردم خاور نزدیک درهم‌آمیخته و چنان در اسطوره‌ها و ادیان مختلف این گوشه از دیار کهن خاورمیانه جا خوش کرده که بی‌اغراق اگر آن را حذف کنیم بنیان بسیاری از نظام‌های عددی و اسطوره‌ای و حتی دینی فرو خواهد ریخت. در این میان، بابل یکی از مهم‌ترین زادگاه‌های نجوم و ریاضی در جهان بوده و بسیاری از تأملات عددشناسی از این تمدن برجای مانده است (شیمل، ۱۳۸۸، ص. ۱۸). شاید اصلی‌ترین دلیل توجه مردم باستان به عدد هفت ریشه در نجوم داشته باشد. دقت انسان آن عصر به آسمان و سیارات و ستارگان به‌مرور عدد هفت را برجسته کرده و به نقش‌آفرینی این عدد در شکل‌دهی به نظام‌های دینی منجر شده است. در تورات یهودیان، متنی برآمده از دل جهان سامی آمده: خدا جهان را در شش روز آفرید و روز هفتم استراحت کرد؛ از سوی دیگر، در اندیشه فیثاغورثی عدد هفت عددی کیهانی است (نورآقایی، ۱۳۸۷، ص. ۷۶)؛ رواقیون نیز بر این باور بودند که عدد هفت تعادل‌بخش نظام کیهانی است. از آنجا که نقش و کارکرد این عدد در مانویت نیز بی‌نهایت مهم است می‌کوشیم در این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و با رویکردی متن‌شناسانه و فقه‌الغوی به ماهیت هفت‌گانه‌های مانوی و دلایل کاربرد آن بپردازیم. این روش به ما در فهم بهتر و دقیق‌تر متون مقدس مانوی که بی‌تردید در اسطوره‌های بین‌النهرینی و اندیشه‌های گنوسی و یهودی و مسیحی و ایرانی سخت ریشه داشت، بسیار کمک خواهد کرد.

## ۲. کاررفت عدد هفت در متون مقدس مانوی

می‌دانیم که مانویت از اعداد و تعامل میان آنها بسیار بهره برده است. علت به‌کارگیری مانوی و پیروانش از عدد هفت در آثارشان به ماهیت کیهانی آن مربوط است. هفت عددی آسمانی بود و بهره‌گیری از آن تقدس و اهمیت الهیات مانوی را به عالم بالا مرتبط می‌ساخت. مانوی در این کار از پیشینیان خود تا حد زیادی الگوبرداری کرد تا نظمی ساختارمند در آثارش ارائه شود. تیموتی پتیپیس در این باره

معتقد است چنین الگوهایی معمولاً به‌عنوان معلوماتی (حقیقی) در نظر گرفته می‌شوند که بخش جدایی‌ناپذیری از زبان نمادین یک سنت خاص را تشکیل می‌دهند (Pettipiece, 2009, p. 4).

با پژوهش در متون ایرانی میانه غربی که مشتمل بر دو زبان فارسی میانه و پارسی هستند، می‌توان اعداد را در شبکه‌ای منظم و حساب‌شده دید که بازو به بازوی هم و در اتصال با یکدیگر پایه‌گذار مفاهیمی نو شده‌اند. در حقیقت، آنچه از ساحت پدر بزرگی ساطع می‌شود از طریق این شبکه عظیم عددی به همه تجلیات او می‌تابد. به دیگر سخن، ماهیت اعدادی که در نظام الهیاتی مانوی نقش ایفا می‌کنند، مجرای تابش نور پدر بزرگی به همه آفرینش است. او اگر چه خود به طور مستقیم در این خلقت دست ندارد، اما در جای‌جای این سلسله درهم‌تنیده می‌توان وجودش را اثبات کرد؛ حسی که بار انتقال آن به باورمندان را اعداد بر دوش می‌کشند. از سوی دیگر، انوار جداشده از خدای مانی توانایی این را دارند که دوباره به هم برسند و به سمت جایگاه اولیه خود یعنی ساحت پدر بزرگی فراز روند. آنها در اصل به شکل گشتاری هر لحظه در تجلی هستند. رویکرد عدد در مانویت به حرکت در آوردن نظمی است که نورهای بلعیده‌شده را دوباره تصفیه کرده و به جایگاه اصلی بازگرداند. عدد هفت در این شبکه عددی، در تناظر با اعداد دیگر به‌خصوص عدد چهار و پنج و سه توانسته در تبیین ساحت خداشناسی و کیهان‌شناسی نقشی بسیار پررنگ ایفا کند.

کاربرد عدد هفت نزد خود مانی را می‌توان دست‌کم در دو موقعیت دید: یکی در اسطوره آفرینش؛ جایی که انسان قدیم در قعر مفاک به هوش می‌آید برای نجاتش هفت بار به پدر بزرگی استغاثه می‌کند (تاردیو، ۱۴۰۲، ص. ۱۳۴؛ و دیگری در قطعه M101e از کتاب *غولان*، جایی که به هفت دیو hpt dyw اشاره می‌شود: §KawA116, Henning, 1943, p. 62). غیر از این، مانویان به پیروی از مانی و بر پایه سنت عددی مانویت، از هفت‌گانه‌های بسیار بهره برده‌اند. با این همه، عدد هفت در مانویت در تعامل مستقیم با واژه‌ها و اصطلاحات مثبت یا منفی قرار می‌گیرد. واژه‌های مثبت بیانگر مفاهیم الهی و واژه‌های منفی نمایشگر مفاهیم اهریمنی‌اند. برای نمونه، هفت گوهر نورانی و هفت انجیل زنده بار مفاهیم الهی را به دوش می‌کشند و هفت دیو شمار مفاهیمی اهریمنی را انتقال می‌دهند.<sup>۱</sup> ما با واژه‌شناخت مانوی می‌توانیم دریابیم که واژه «گوهر»

---

<sup>۱</sup> چنین وضعیتی در متون زرتشتی نیز دیده می‌شود که در آنجا واژگان به دو گروه واژه‌های اهورایی و اهریمنی تقسیم می‌شوند.

در متون مانوی به طور حتم برای اشاره به یک مفهوم اهورایی به کار می‌رود، حال آن که واژه‌ای مانند مرگ یا دیو مسلماً کارکرد اهریمنی برای نمایش یک امر اهریمنی دارند. قصد این جستار پرداختن به یکی از مهم‌ترین کاررفته‌های عدد هفت در نظام عددی مانوی بر پایهٔ مکتوبات مانویان ایرانی‌زبان است.

### ۳. هفت‌گانه‌های مانوی

مانویت عدد را در ساحت‌های مختلف پس از الگوبرداری از ادیان دیگر و بازتعریف نقش و عملکردشان در نظامی جدید به کار گرفته است. ما در بررسی هفت‌گانه‌های مانوی، متون ایرانی میانه را مبنا قرار می‌دهیم؛ اگرچه این مدارک پاره‌پاره و پراکنده‌اند می‌کوشیم در تجزیه و تحلیلی متن شناختی نقش و کاربردشان را در لابه‌لای این منابع اصیل واکویم و اهمیت آموزه‌ای یا راهبرد آیینی‌شان را بازیابیم. با این حال، جهت تبیین و تفسیر دقیق‌تر موضوع، هر جا که لازم باشد از منابع یونانی و قبطی مانوی نیز بهره می‌بریم.

### ۳-۱. هفت‌گوهر

در میان متون ایرانی میانه قطعاتی هستند که از هفت‌گوهر سخن گفته‌اند که گاهی با صفت «درخشان» یا «ثمربخش» نیز همراه است. در سرود ابجدی و دوزبانۀ فارسی میانه پارتی M8259 چنین می‌خوانیم:

MIK 8259/I/R/i/1-15/: w̄ hynz'wr (.) [ . . . ] ws'n mrdwh(m)'n 'w  
'wn(..)yš(..)m[ . . . ] (h)w 'šn'synd ° byc hwyn ky mwxš wx'zg °  
'hynd w̄ j: 'dyšmrš'n krm w̄ bzg kyrdg' n 'ngdg ° 'b'w 'ym sxwn z'nynd  
w̄ pd hw bwg wyndynd ° ° w̄h z'n' [kw] hwyn hft rdn 'y(m)[yn] pnj  
mh' bwt w̄ [ . . . ] jyw̄hr cy pd h(mg) [ . . . ] 'st w̄ hrw cy (p)[d . . . ]  
dyd bwyd 'ymyn '(m)[ . . . ] 'hynd ° 'yd r'd 'z[ . . . ] (KPT: 98-99, II.  
1908-1922)

و قدرتمند... بسیار مردمان به... آن را بشناسند. اما آنان که آرزوی رستگاری دارند و خاطرشان از کرمۀ (هستی) پیشین و کردگان (اعمال) گناه‌آمیز (بزه) کامل است، این سخن دانند و در آن رستگاری یابند؛ چنین بدان که این هفت‌گوهر، این پنج مه‌ابودا، و... زندگی که در همه... است و هر چه که در... دیده شود، اینان... هستند. زیرا من... (KPT: 98-99, II. 1908-1922).

ابتدای قطعه به کسانی اشاره می‌کند که از گناهان پیشین آگاه‌اند و به دنبال رستگاری‌اند. اگر آنها سخنی را که نویسنده متن می‌گوید دریابند به رهایی دست خواهند یافت. متن در ادامه به هفت‌گوهر (hft rdn) اشاره می‌کند. منظور از هفت‌گوهر باید همان کتاب‌های خود مانی باشد: مانویان هفت کتاب پیامبرشان را به هفت‌گوهر تشبیه کرده بودند: *انجیل زنده*، *گنج زندگان*، کتاب *رازان*، *پرگماتیا*، کتاب *عولان و دیوان* (نامه‌ها، رساله‌ها)، *مزامیر و آفرین‌ها* (تاردیو، ۱۴۰۲، ص. ۶۹؛ برای صورت اصلی عنوانین، نک. Shokri-Foumeshi, 2025, pp. 13-14). بنابراین، مقصود از بخش آغازین قطعه که از سخنان رستگاری‌بخش می‌گوید به احتمال زیاد باید همین هفت‌گوهر یا همان هفت کتاب کانونی مانی بوده باشد که مانویان بهره‌مندی از آنها و توسل بدان‌ها را جزء لاینفک رهایی و نجات خویش در نظر می‌گرفتند. به موازات دست‌نویس بالا، قطعهٔ پارتی M7 به هفت‌گوهر درخشان اشاره می‌کند، چنان که در زیر می‌خوانیم:

M7/I/R/ii/15-30/: myhm'n yzd'n z'dg nw'cyd 'w 'xwrn bg'nyyg °  
nw'gyft 'spynj wyr'zyd nm'yd r'h 'w rwsn ° s'cyd 'spwr hrw hnd'm pd  
pnj hft 'wd dw'dys ° 'ym 'st rdn hft nys'gyn cy wxd šhr'n jywhr °°  
(*Mir.Man.iii*: 871, text g: 34-57; Boyce, 1975: 107, text ax: 2).

میهمان یزدان‌زاده را بنوازد بر خوراک بغانی (طعام مقدس). سپنج (سرای مهمانان) را بیارید،  
بنمایید راه بر روشنی! کامل کنید هر اندام را به پنج، هفت و دوازده. این است هفت‌گوهر  
درخشان که خود اقالیم (ائون‌های) زنده‌اند. (*Mir.Man.iii*: 871, text g: 34-57)

اسماعیل‌پور (۱۳۸۶، ص. ۱۴۰۴) در تفسیر این متن، هفت‌گوهر را بازیابی نمی‌کند: «مشخص نیست این عدد به چه چیز اشاره دارد»؛ پیش‌تر آندرتاس و هنینگ این پنج‌گوهر را روشنی‌هایی که حیات کیهان را تشکیل می‌دهند، در نظر گرفته بودند (*Mir.Man.iii*, 1934, p. 871). ما در ادامه به این نکته خواهیم پرداخت.

در بخشی از متن سغدی M327+M1207 که در آن از «هفت‌گوهر ثمربخش» یاد شده، از انجیل زندهٔ مانی ذکری به میان آمده است و آن را ارزشمندتر از مرواریدی خوانده که نمی‌توان برای آن قیمت گذاشت:

M327+M1207Ri1-12: ](k) c(γ')r( ' [ ] βrzqwyy [ ] ° ct[f'r] [(k)] [... ] (y) [

[omrɣ(r)ʔ w(β)yy [ ] o wɪdn rʔnyy [ʔ]tyy pw ʔrɣ [m](r)ɣʔ rʔ o o sʔ mwnw  
[ʔ]wnglywnyy ʔryyy y nyy ʔjnd (ʔ)[w](h) byh (p)ty(mty)y (rd)n h(ft)  
(hwnr)[ʔ wnd ]... (Morano/ Shokri-Foumeshi/ Sims-Williams, 2022, p. 365-366)

... کوزه(؟)... طول... چهار... جواهر بود... چنین جواهر بزرگی (و؟) مرواریدی قیمتی. هیچ‌یک  
از اینها از نظر ارزش با انجیل برابری نکنند. چنین بادا! پایان یافت («سخن در باب) هفت جواهر  
ثمربخش...». (Morano/ Shokri-Foumeshi/ Sims-Williams, 2022, pp. 365-366)

این متن به فهم بهتر قطعه M7 کمک می‌کند. ویراستاران متن M327+M1207 دو احتمال  
در تفسیر این هفت‌گوهر ثمربخش در نظر گرفته‌اند: (۱) هفت کتاب مانی به هفت جواهر تشبیه  
شده‌اند؛ (۲) این هفت جواهر ثمربخش ممکن است اشارتی به هفت فضیلت باشند (Morano/  
Shokri-Foumeshi/ Sims-Williams, 2022, pp. 361-363). اگر فرض یکم را درست در نظر  
بگیریم و آن را با اشارت زبور قبطلی مانوی مقایسه کنیم (آلبری، ۱۳۹۶، ص. ۸۵) احتمالاً مقصود  
از هفت‌گوهر درخشان در قطعه M7 نیز همان هفت کتاب مقدس مانی خواهد بود.

این هفت کتاب در زبور قبطلی مانوی به هفت ابزار پزشکی مانی هم تشبیه شده است: *انجیل* با  
بیست و دو بابش بیست و دو پادزهر را در خود جای داده است. *گنج زندگان* با *آبدان* / *ظرف آب*  
*پزشک*، *پرگماتیا* با *نمدینه* (اسفنج)، کتاب *رازان* با *کارد طبابت*، کتاب *عولان* با *تنزیب* (برای بستن  
زخم) و کتاب *نامه‌ها* (رسائل، دیوان) با *جعبه داروها* و مرهم‌ها مقایسه شده است (Psb II,  
p.46.21-32-p.48.1-4). از نظر مانویان، کلام وحی که در آثار مانی مندرج بود خاصیت شفابخشی  
داشت. از سوی دیگر احتمالاً هفت اقلیم جهان در قطعه M7 تشبیهی دیگر از هفت کتاب مقدس  
مانی بوده است؛ هفت اثری که چراغ راه هدایت و نجات همه موجودات و از جمله آدمیان هستند.  
اگرچه آثار شخص مانی بیش از هفت است، احتمالاً مانویان شمار آن را به هفت اثر تقلیل داده‌اند  
تا قدسیت این عدد را نیز بر قداست خود آثار بیفزایند. اما از آنجا که هفت‌گوهر اقلیم در قطعه  
M7 با صفت «زنده» همراه‌اند، آیا می‌توان آثار هفت‌گانه مانی را با هفت *آبختر* در ساختار کیهانی  
مقایسه کرد؟ پرسشی که اگرچه پاسخ آن در اصل در یک متن اصیل مانوی تاکنون ناشناخته  
نهفته است، مطمئناً در نجوم بابلی نیز قابل ردیابی است.

اما اگر فرض دوم را بپذیریم، قبل از هر چیز باید بدانیم منظور از هفت فضیلت چیست؟ نویسندگان

مقاله بالا معتقدند شاید مراد از ذکر هفت گوهر ثمربخش اشاره به مطلبی باشد که در کف‌لایای قبطی (فصل ۳۳۲) آمده است؛ جایی که به جواهری با هفت فضیلت اشاره شده است (Morano/ Shokri- Foumeshi/ Sims-Williams, 2022, p. 362). در اینجا گفت‌وگویی میان مانی و گوندیش<sup>۱</sup> آمده که با مثالی از پادشاهی که سنگی گران‌بها دارد همراه است. این سنگ برای وی بسیار مفید است و او را از بلایا و مشکلات می‌رهاند. (Gardner/ BeDuhn/ Dillely, 2018, p. 77) قصد مانی از به‌کار گرفتن این مثل آن است که انسان را به پادشاه و زندگی‌اش را به گنجی تشبیه کند که هفت شاخص مهم دارد. به دیگر سخن، در اینجا گنج زندگی با یک سنگ قیمتی که هفت ویژگی شگفت‌انگیز یا هفت فضیلت دارد مقایسه شده است. بنابراین، فرض نخست درست‌تر می‌نماید.

### ۲-۳. هفت ابزار پزشکی مانی

همان‌گونه که مانی خود را پزشکی از بابل زمین و طبیب روح و جان می‌خواند، کتاب‌هایش نیز به ابزار درمان و دارو تشبیه شده‌اند. از نظر مانی و پیروانش، امراض گوناگونی که انسان بدان مبتلا می‌شود، چه جسمی و چه روحی، از سرچشمه‌ای اهریمنی می‌آید که باید با داروها و درمان‌هایی که از منبعی الهی می‌آید درمان شود. از دید مانی، کلام وحی او مجموعه‌ای کامل از داروها و درمانگر هر نوع بیماری بودند. این کلام وحی در آثار او به رشتهٔ تحریر درآمده است؛ کتاب‌هایش نسخه‌هایی برای درمان بودند که برای نسل بشر پیچیده شده بودند. زبور قبطی مانوی، همسو با قطعه M7، در متنی تمثیلی هفت اثر مانی را به هفت ابزار درمانگر پزشک تشبیه می‌کند.

- (۱) بنگر! طبیب بزرگ فراز آمده است؛ او می‌داند چگونه همهٔ مردمان را (۲) درمان کند. (۳) جعبهٔ دارویش را بر زمین گسترده (و آدمیان را) فرامی‌خواند: «هر که اراده کند (۴) درمان شود» (۵) به فراوانی درمان‌هایش بنگر؛ هیچ درمانی جز نزد (۶) او نیست. (۷) از آن که بیمار است روی برنگرداند (συχαινέσθαι?). او را که زخمی در وجودش هست (۸) به ریشخند نگیرد. (۹) خبره در کار خویش است (و) دهانش نیز پر از کلام (۱۰) شیرین. (۱۱) می‌داند چگونه زخم را بشکافد (و) مرهم سرد بر آن نهد. (۱۲)

<sup>1</sup>. Goundesh

او می‌شکافد و پاک می‌کند؛ داغ می‌نهد و تسکین بخشد(؟)، (همه) در (۱۳) یک روز. (۱۴) بنگر! مهربانی عاشقانه‌اش ما را واداشت که هر یک از ما (۱۵) امراضمان را (به او) نشان دهیم. (۱۶) باشد که بیماریمان را (از او) پنهان نکنیم<sup>۱</sup> و بر اندام(μέλος)های خویش، (که) تصویر (εἰκὼν) (۱۷) نیکو و نیرومند (۱۸) «انسان نو» (است)، امراض بدخیم مهلیم تا آن را تباه نکند. (۱۹) او را پادزهری (ἀντίδοτος) سزاست برای هر ابتلا (πάθος).<sup>۲</sup> (۲۰) بیست‌ودو ترکیب (μίγμα) در پادزهر (ἀντίδοτος) اوست: (۲۱) انجیل (Εὐαγγέλιον) بزرگ او، مژده همه آنانی است (۲۲) که از تبار نورند (۲۳) آب دان (λακάνη) او (کتاب) گنج (Θησαυρός) (اوست که) گنجینه زندگی است.<sup>۳</sup> (۲۴) در آن، آب گرم توانی یافت که چندی سردآب نیز (۲۵) با آن درآمیخته است. (۲۶) نم‌دینه (σπόγγος) <sup>۴</sup> نرمش که کبودشدگی‌ها (πληγή) را محو می‌کند (۲۷) پرگمانیای (Πραγματεία) اوست. (۲۸) کارد (ἀκμάδιον) بریدنش کتاب رازان (Μυστήριον) است (۲۹) و تنزیب‌های درخشانش کتاب غولان (Γίγαντες). (۳۰) جعبه داروی (νάρθηξ)<sup>۵</sup> هر درمانش کتاب (۳۱) دیوان / رسائل / نامه‌های (Επιστολή) (۳۲) اوست. (۱) ... داغ (؟)، دو مزمور (Ψαλμός)، گریان (؟) (۲) ... (۳) ... خنک نیز (؟)، آفرین‌هایش (نیایش‌ها، تسبیحات) و همه (۴) سخنانش. (۵) بنگر به آزمایش (δοκιμή) طبیبمان! برادران من، بر او استغاثه (۶) بریم! (۷) بود که ما را درمانی فرا دهد که ... مان را شفا بخشد (۸) بود که بر همه ما بخشایش (عفو) گناهمان ارزانی (۹) دارد. (۱۰) باشد که ناپاکی‌هایمان را بزداید (و) زخم‌گاه‌های نقش‌بسته بر روحمان را پاک گرداند. (سنج. آلبری، ۱۳۹۶، صص. ۸۴-۸۵، با تفاوت‌های مهم)

<sup>۱</sup> در اصل: آشکار کنیم

<sup>۲</sup> واژه یونانی ممکن است به معنی «بیماری» و «رنج» و «زخم» هم باشد.

<sup>۳</sup> انتظار داشتیم در اصل چنین باشد: گنج زندگی (یا گنج زندگان)، که به راستی گنجینه زندگی است.

<sup>۴</sup> نوعی پارچه ضخیم و جذب‌کننده مایعات در ادوار کهن.

<sup>۵</sup> لغت قبطی ناظر به معنای «جعبه دارو» دخیل از یونانی νάρθηξ است، در ویراست آلبری ترجمه نشده است. ما از ترجمه

Morano/ Shokri-Foumeshi/ Sims-Williams, 2022, p. 362 پیروی کرده‌ایم.

زبور می‌گوید که مانی را پادزهری سزاست برای هر بیماری؛ بنابراین هم خود او و هم پیروانش کتاب‌هایش را وسیله‌ای برای درمان همه‌گونه مصائب و زخم‌هایشان می‌انگاشتند و از منظر آنان آنچه که بر صفحات کتاب‌های مانی نشسته با نیروی مقدسش زخم‌های روح و جان انسان را مرهم می‌نهند و بیماری‌های اهریمنی رسوخ کرده در درون آدمی را ریشه‌کن می‌سازند. کتاب‌های مانی «انسان کهن» و گناهکار و آلوده به بیماری‌ها و دردهای اهریمنی را درمان می‌کند و پس از شفادهی وی را به «انسان نو» بدل می‌کند. سرود بالا به امت مانوی می‌گوید که باید پادزهر همه سموم اهریمنی را در کتاب‌های رسولشان جستجو کنند تا نجات یابند. خود/نجیل مانی بیست و دو پادزهر دارد. این‌ها همان بیست و دو باب کتاب هستند: از باب الف تا باب تاء، اولین و آخرین حروف الفبای معجزه‌گر سریانی. هر باب یک دارو است، از میان‌برنده یکی از زخم‌های اهریمنی. اما خداوند برای درمان و نجات انسان فرشته‌ای بر مانی نازل کرد به نام توم (فارسی میانه: narjamīg نَرَجَمِیگ) که همزاد و همتای آسمانی و راهبر روحانی و «من» ازلی او بود (شکری فومشی، ۱۴۰۲، ص. ۱۱۷). مانی در قطعه فارسی میانه M49II در باب او می‌گوید:

M49IIr4-11: (4) 'wm nwnxw(d) (5) 'b'g rwyd, '(w)m xwd (6) d'ryd 'wd (p)'yd, 'wš pd (7) zwr 'b'g 'z w'hr(myn) (8) qwšym, 'w(d) [m](r)dwh(m)'n (9) xrd 'wd d'nyšn hmwcym (10) 'wš'n 'c 'z w'hrmyn (11) bwzym °° °° (Mir.Man.ii, p. 16-17 [307-308])

و [او (همزاد)] اکنون نیز خود با من رَوَد (همراه است)؛ مرا خود دارد و بپاید؛ به نیروی او با آز و اهریمن کوشم (بستیزم)؛ و به مردمان خرد و دانش آموزم و ایشان را از آز و اهریمن رهایی بخشم (با اختلاف ناچیزی در: بهار/اسماعیل پور ۱۳۹۳، ص. ۲۵۵).

مانی که بنا بر زندگی‌نامه یونانی خود را با همزادش سراسر یگانه می‌دید (Koenen/ CMC 24.13-15: Römer, 1988, p. 16-17) و فرشته الهاماتش را «زیباترین و بزرگ‌ترین آئینه‌نگاره (خود)» (εὐειδέστατον καὶ μέγιστον κάτοπτρον τοῦ προσώπου) می‌خواند (CMC 17.13-16: Koenen/ Römer, 1988, p. 10-11)، همه خرد و حکمت و دانش نجات را از او می‌آموزد. بی‌جهت نیست که همزاد در یکی از دیدارهایش با مانی به درمان بیماری با داروی حکمت اشاره می‌کند:

40.1 και πάλιν εἶ ποτ' ἂν θλιβῆις | ἐπικαλέσει με, ἐγὼ πλησίον σου  
εὐρεθήσομαι |<sup>4</sup> ἔτως, ὑπεραπιστιῆς | σου ἐν πάσει θλίψει καὶ | κινδύνῳ  
γενησόμε|νος. τὰ δὲ σημεῖα ταῦτα |<sup>8</sup> ἅπερ με ἠτήσω ἐν ἐμοὶ |  
γνωσθήσονται ὡς καὶ | [ἀποκαλ]υφθῆναι σοὶ δη|[λότατα. ἀποδεί]ξω γὰρ  
|<sup>12</sup> [διὰ τῆς χειρός μου] πάν|[τα καὶ ὡς κάτοπτ]ρον ἔσο|[μαί σοι..... .. ] ἂν  
ἐγὼ | [ὡς καὶ τὴν σοφίαν] ἀνατεῖ|<sup>16</sup>[λαί ἐν σοὶ καὶ ν]όσου ἀπο|[λυθῆναι  
σε]. (Koenen/ Römer, 1988, pp. 24-27)

۴۰. نیز هرگاه در گرانی مرا فرا بخوانی پیش تو آشکار شوم و در برابر همه سختی‌ها و  
گذندها نگهدارت باشم. نشانه‌هایی (آیاتی) که تو از من خواستی در من به نمایش درآید  
تا که بر تو به حد اعلی آشکاره شود. چه، من همه چیز را (با دستم؟) نشانت دهم (و) تو  
را (چون آینه‌ای باشم که حکمت را بر تو) بتاباند (و) از بیماری‌های ات (بخشد).

همزاد آسمانی مانی در اینجا به او وعده می‌دهد که در سختی‌ها یا خطرات به یاری‌اش می‌شتابد  
و همچنین خرد و بصیرت را در درون او آشکار می‌سازد. او در اینجا راهنمایی کامل و طبیعی  
حاذق و شفابخش است که می‌تواند مانی را از «بیماری»‌های بخشد. اما این بیماری چه بود  
که به قول همزاد می‌بایست با داروی خرد و حکمت درمان شود؟ هم این بند و هم بند پیش از  
آن (بند ۳۹) نشان می‌دهد که «گناه» بزرگ‌ترین بیماری است که از «دروغ» (MP = ψεύδος  
drwj)، همان که با «هریمن» یا «ماده» تشخیص می‌یابد، صادر می‌شود. او عامل پنج گناه ازلی  
است؛ همان پنج‌گانه اهریمنی که همه بیماری‌ها از آن‌ها سرچشمه می‌گیرد. اهریمن صفت  
پلیدش را بر پنج اندام بدن انسان می‌نشاند تا با پنج قوای ظلمانی‌اش مانع آزادسازی پنج روشنی  
محبوس در ماده شود. خداوند «بهمن» (فارسی میانه: Wahman؛ پارتی: منوهد Manohmed؛  
یونانی: Νοῦς) را بر انسان فرو می‌فرستد تا او با کمک پنج اندام عقلانی و نورانی بهمن بر پنج  
قوای زهرآلود و ظلمانی اهریمن چیره شود (برای دیدن متن‌های مربوطه، نک. Sundermann,  
1992). همان‌گونه که اهریمن با خرد تاریکش بر استخوان می‌نشیند و کینه بار می‌آورد و با ذهن  
تاریکش بر عصب می‌نشیند و خشم بار می‌آورد و با هوش تاریکش بر رگ می‌روید و هوس و  
شهوت تولید می‌کند و با اندیشه تاریکش بر گوشت می‌خزد و خشونت به همراه می‌آورد و با  
بینش ظلمانی‌اش بر پوست می‌نشیند و نادانی و جهل بار می‌آورد؛ و بدین نحو پنج ایزد روشن یا

همان پنج پسر نورانیِ انسان قدیم را در اسارت نگه می‌دارد؛ بهمن نیز در مقابل به‌عنوان تجلی عقل فعال خداوند با خرد روشنش کینه را به استخوان می‌بندد تا بدین نحو هم ایزد فروهر/ ائیر را آزاد کند و هم برای انسان عشق بیافریند؛ و با ذهن نورانی‌اش خشم را به عصب می‌بندد تا هم ایزد باد را از بند آزاد کند و هم به انسان ایمان ببخشد؛ و با هوش روشنش هوس را به رگ می‌بندد تا هم ایزد روشنی را از بند رها کند و هم انسان را به کمال برساند؛ و با اندیشه روشنش خشونت را به گوشت می‌بندد تا ایزد آب را آزاد کند و هم‌زمان بردباری را به انسان ببخشد؛ و سرانجام با بینش روشنش جهل را به پوست می‌بندد و از این طریق هم ایزد آتش را آزاد می‌کند و هم دانش و علم را به انسان ارزانی می‌دارد (قریب، ۱۳۸۶، صص. ۱۴۳-۱۴۷). بدین شیوه است که آموزه شفابخش مانی «انسان کهن» (انسان گناهکار) و بیمار را به «انسان نو» و سالم بدل می‌کند. درواقع، بی‌جهت نبود که زبور در قطعهٔ بالا از انسان نو سخن می‌گوید.

با این تأملات است که اکنون بهتر می‌توانیم اصل سخن مانی را در دست‌نویس M3V6-11 دریابیم، هنگامی که بهرام یکم ساسانی خشمگینانه به مانی می‌گوید (Henning, 1942, p. 950): «به چه کار آید که نه به کارزار روید و نه نخجیر کنید، مگر این پزشکی و این درمان بردن را بایسته‌اید و این نیز نکنید» (pd cy 'b'yšn hyd k'ny 'w k'ryc'r šwyd 'wd ny nhcyhr kwnyd b' 'wh'y 'yn bšyhkyh r'y 'wd 'y drm'n 'b' yšn hyd 'wd 'ync ny kwnyd)، مانی از خود چنین دفاع می‌کند:

M3V12-23: (mn) pd 'šm'h tyswc ny wyns[t] °° (cym) myšg kyrbggy kyrd pd 'šm'h 'wt'n pd twhmg'n °° 'wd ws 'wd pr(h)yd bng 'y 'šm'h kym dyw w drwxš 'cyš b(') [bwr](d) °° 'w[d] ws bwd hynd °° k[ym] 'c wy(m)'ryh 'xyzn'd [h](y)nd °° w ws bwd hynd ky[m] tb 'wd rrz 'y cnd (s)[ 'rg 'cyš 'n'pt °° 'w[d] ws bwd] hynd [k]y 'w mrg md 'wmy[š'n ... (Henning, 1942, p. 950 [90]; Boyce, 1975, p. 45, text n:3)

من به شما هیچ بدی نکردم؛ چه، همیشه کرفه (نیکی) کردم به شما و خاندان شما؛ و بسیار و فراوان بندهٔ شما که من دیو و دروج از آن‌ها ببردم و بس بودند که از بیماری خیزاندم و بس بودند که تب و لرز چندساله از آن‌ها دور کردم و بس بودند که به مرگ

آمدند و من ایشان را (درمان کردم).

مانویان علاوه بر تشبیه کتاب‌های مانی به هفت ابزار طبابت، این آثار را به گوهر و بلور ارزشمند هم شبیه دانسته‌اند که در ادامه بدان‌ها خواهیم پرداخت.

### ۳-۳. هفت بلور اصیل / ارجمند

همان‌طور که بالا ذکر آن رفت، مانویان به کمک صنایع ادبی مانند تمثیل و تشبیه در متون خود سعی در نشر آموزه‌های دینی و اخلاقی دینشان داشتند. نمونه‌ای دیگر از این دست قطعات، سرودهای روز مقدس دوشنبه با شناسه M229 به زبان پارتی است که به «هفت بلور اصیل / ارجمند» به‌قرار زیر اشاره می‌کند:

M229Ri1-19: d(r)[...] šh(r)[...] °° dbgr(')[n....] m'ngyš (k)[...] dr'wynd  
'ž '[...]kw hwyn y'd(g) [ny] bw'h 'wd ny grysp'h pd 'skwhyft °° hw  
rdn wzrg xwj p('y) cyd pdgryft 'c š'h rwšn ('w) hwyn (dw'dys) y'kwnd  
'wd hft byl(wr) 'rg'w°° (w)yl'stgr zy(rd)'n š['dy]ft b(w)g[...](r)wšn[...]  
(.)[· · ·] (Reck, 1992, p. 345).

... سرزمین / فرمانروایی. ... فریبکاران ... علاقه باطنی او را ... همراه می‌کنند از ... تا جزئی  
از آنها نباشی و تو را در فقر و بیچارگی نگه‌نمی‌دارد. از آن جواهری که از پادشاه نور  
دریافت می‌کنید، دوازده یاقوت و هفت بلور گرانبها[یش] را بسیار محافظت کنید. معجزه‌گر،  
شادی دل‌ها، ... نور ...

از سطر یکم و آسیب‌دیده بگذریم، سطر دوم به بعد می‌گوید که مؤمنان باید از آن جواهری که  
از پادشاه نور (پدر بزرگی) دریافت می‌کنند، از دوازده یاقوت و هفت بلور ارزشمندش بسیار  
محافظت کنند. به باور ما «هفت بلور گرانبها» در این قطعه اشارتی دیگر به همان «هفت گوهر»  
(درخشان، ثمربخش) در متن‌های بالا هستند که جان حیات‌اند. آنها هفت بلور اصیل و ارجمندی  
هستند که همانند چراغی در جهان و درون موجودات تابان‌اند و دنیای مادی را روشن و با  
روشنایی خود اهریمن را دور می‌کنند. متن پارتی بالا از مؤمنان می‌خواهد که از این گوهر سخت  
محافظت کنند. دیدگاه رک مبنی بر اینکه «گوهر» را اینجا به معنای معرفت دینی مؤمنان و

آگاهی مجدد از ماهیت روح نورانی می‌داند و از این رو مؤمنان نباید با غفلت و تسلیم در برابر وسوسه این گنج و گوهر را از دست بدهند (Reck, 1992, p. 344)، منافاتی با این نظر که هفت بلور ارجمند و درخشان همان هفت گوهر درخشان و ثمربخش یعنی همان هفت کتاب شفابخش مانی و هفت چراغ راهنمای مؤمنان هستند، ندارد.

### ۳-۴. هفت آذر ستوده خوشبوی

از دیگر تشبیهاتی که برای آثار مانی به کار گرفته شده «هفت آذر خوشبوی» است. در متن فارسی میانه M95<sup>+</sup> از «هفت آتش» یاد شده و این یادکرد از آن رو چشمگیر است که این متن مشتمل بر گفتاری (gwyšn) پیرامون نفس زنده (gryw zyndg) یا همان «آمهرسپندان» است. در این سرودنیایش، نفس زنده از رنجی که بر او رفته سخن می‌راند و سپس از چگونگی رستگاری خویش بازمی‌گوید (Boyce, 1975, pp. 112-113):

M95<sup>+</sup>V1<sup>a</sup>-3<sup>b</sup>:

’n hym ’dwr ‘y cyyd zrdwšt

’wš prm’d(w)m ’w ’hlw’n cyydn ...

’c hpt’ d(wr y)štg ‘y hwbwd’g

’wm bryd ’w ’dwr wxšn ywjd(hr).

(*Mir.Man.ii*, p. 319-320; Boyce, 1975, p. 112, text *be*:8-9)

منم آذر چیده زرتشت

که فرمان داد به راستکاران مرا چیدن ...

از هفت آذر ستوده خوشبوی

به من آورید آذر خوش پاک! (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۶، ص. ۲۳۶).

برای درک بهتر این بخش از متن بهتر است بند دیگری از آن را بیاوریم:

جستجوی هفت‌گوه‌ر شفابخش میان هفت آذر خوشبوی: ۱۷۹۰۰۰

M95+V4<sup>a</sup>-5<sup>b</sup>:

'ymg 'yg p' q'' (wryd)

'wd bwy 'yg nrm 'wd bwy' g

'brwcydm pd d'nyšn

'wm dyyd zwhr 'y p' q.

(*Mir.Man.ii*, p. 320; Boyce, 1975, p. 113, text *be*:10-11)

همی‌مه پاک آورید

و بوی نرم و معطر،

بی‌فروزیدم به دانش

و دهیدم زوهر پاک! (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۶، ص. ۲۳۶).

در این قطعه از زبان آتش، یکی از عناصر نَفَس زنده، سخن رفته و به شکل ماهرانه‌ای به اهمیت و قدسیت آتش نزد زرتشت و زرتشتیان پیوند خورده است. اسکات دیدگاهش در باب این متن را به شکل زیر خلاصه می‌کند: پذیرش شخصیت پالایش‌یافته زرتشت در کنار نمادپردازی دین او در این سرود مانوی نمود یافته است. مانویت به طور مستقیم از عناصر مقدس زرتشتی مانند آتش و آب و بوی خوش که در مراسم این دین اهمیت دارند بهره برده است. در دین زرتشتی عناصر آب و آتش خاصیت پاک‌کنندگی دارند و در زمین به‌عنوان پسر اورمزد تجلی می‌یابند. منظور از آتش و آب هم همان عنصر محبوس در تعالیم مانوی است (اسکات، ۱۴۰۱، ص. ۱۸۷). در حقیقت، همان‌گونه که در بخش پیشین نیز مطرح شد، مانویان با همگون‌سازی واژگان آموزه‌ای زرتشتی برای قوام بخشیدن به سخنان خود بهره برده‌اند و از این رو به نظر می‌رسد مقصود از هفت آذر خوشبوی تمثیلی دیگر از هفت کتاب مانی است. همان‌گونه که هفت آتش زرتشتی از تقدس و ارج بسیار نزد زرتشتیان برخوردارند و همواره باید روشن نگاه داشته شوند، این هفت کتاب نیز همواره نزد مانویان دارای اهمیت و ارزش فراوان بوده و امت مانوی می‌بایست این کتاب‌ها را گرامی دارند و آنها را چراغ‌های روشنی‌بخش راهشان قرار دهند. به کار رفتن عنوان

هفت آذر خوشبوی برای اشاره به هفت کتاب مانی بیان هوشمندانه‌ای از به‌کارگیری آموزه‌های ادیان دیگر و بازتعریف آن در بافتار مانوی است. در رأس همه آثار مانی، انجیل زنده اوست، اثری که خود از هفت اندام تشکیل شده است. در ذیل به این نکته مهم می‌پردازیم.

### ۳-۵. هفت بخش انجیل زنده

صرف نظر از این تأملات، هفت‌گانه دیگری نیز در این بافتار قابل بررسی است. قطعه پارتی M5510 به هفت «اندام» (بخش، جزء) انجیل زنده مانی نیز اشاره می‌کند؛ همان اثری که خود در مجموعه هفت گوهر است. در این قطعه که یگانه دست‌نویس مانوی است که به چنین تقسیم‌بندی‌ای اشاره می‌کند، می‌خوانیم:

M5510R1-4: [w](y)st 'wd dw sxwn ○ pd (h)ft hn(d')m ○○ 'wnglywn  
[jyw](n)dg w(x)d 'st rwšn' gr (m')rym(')[ny] ... (Shokri-Foumeshi, 2025,  
p. 106-107)

بیست و دو سخن (فصل، باب) در هفت اندام (بخش، جزء). انجیل زنده خود خداوندگار  
مانی روشناگر است ... (Shokri-Foumeshi, 2025, pp. 106-107)

متن نشان می‌دهد انجیل زنده مانی که مطابق با بیست و دو نویسه الفبای سریانی به بیست و دو باب، یعنی از باب الف تا باب تا تقسیم می‌شده، یک تقسیم‌بندی هفت‌گانه هم داشته است. به طور حتم تقسیم‌بندی درونی/انجیل به بیست و دو باب، دلیل الهیاتی داشته است؛ چراکه مانی با نگاه به پیشینه متون الهی در جهان سامی با بیست و دو حرف عبری در یهودیت و همین تعداد الفبای سریانی در مسیحیت آشنا بود. از دید الهیون یهودی و مسیحی حروف الفبا ابزار معجزه‌گر برای خلق جهان مینوی بودند (شکری فومشی، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۳)، همان‌گونه که در مانویت نیز همه ایزدان «واج‌آفریده» اند و از طریق کلام و با فراخوانی او در وجود می‌آیند (Shokri-Foumeshi, 2025, pp. 19-42). منابع مسیحی میان آفرینش اسرائیل و تقدیس روز سبت به‌عنوان هفتمین روز هفته آفرینش پیوند برقرار می‌کنند: بر اساس کتاب یوبیل، دوم: ۲۳ (نیز ۱۵)، بیست‌ودو گونه آفرینش طی هفت روز به انجام رسیده است (Doering, 1997, p. 181). از این رو، منطقی است که تصور شود تقسیم هفت‌گانه بیست‌ودو باب/انجیل مانی، که هر بابش یکی از بیست‌ودو آفرینش را

نمایندگی می‌کند، در منتهای مراتب، ریشه در جهان یهودی دارد (Shokri-Foumeshi, 2025, p. 32)، ولو مانی آن را با واسطه منابع مسیحی یا گنوسی - مسیحی دریافت کرده باشد.

#### ۴. پیوستی به بخش ۳-۳: «هفت مَهْرَسپَند» در متن رسالهٔ چینی مانوی

بندی از رسالهٔ چینی مانوی از «هفت مارسپَند» (آمَهْرَسپَندان یا نَفَس زنده) یاد می‌کند (Chavannes/ Pelliot, 1912, pp. 543-544 *apud* Reck, 1992, p. 343; Schmidt-Glntzer, 1987, p. 83). در اینجا می‌خوانیم (Traité, P.544): «هنگامی که هفت مَهْرَسپَند (Mo-ho-lo-) (sa-pen: Mahrâspand) وارد بدن پاک آموزگار می‌شوند، (آن آموزگار) پنج هدیه را از نور خیر دریافت می‌کند» (Schmidt-Glntzer, 1987, p. 83). این گزارش نیازمند تفسیر است، زیرا نفس زنده یا پنج پسر انسان قدیم و محبوس در کالبد انسان در اصل از پنج عنصر هوا (اثیر، فروهر) و باد و روشنی و آب و آتش تشکیل شده است نه از هفت عنصر. در اینجا، رسالهٔ چینی «ایزد خروش» (Hu-lu-she-te: Xrōštag) و «ایزد پاسخ» (P'o-lu-huo-te: Padwāxtag) را به این فهرست می‌افزاید تا نشان دهد که بدون جلوه‌های «مکاشفه» و «اجابت» (خروش: آوای دعوت از جانب نور؛ و پاسخ: طنین بیداری روح) هیچ عنصری از عناصر نفس زنده قادر به رستگاری نخواهند بود؛ هم انسان باید رهایی را طلب کند و هم فیض قدسی باید مدد فرماید. در واقع، به واسطه شکل ایرانی نام ایزدان می‌دانیم که در اصل مانویان ایرانی بوده‌اند که یک پنج‌گانه الهیاتی اصیل را در قالبی هفت‌گانه بازتفسیر کرده‌اند و آنگاه مانویان چینی آن متن ایرانی میانه را که اکنون در دست نیست، به چینی گزارش کرده‌اند. به یاد داشته باشیم که «نفس زنده» پس از رهایی از راه «ستون روشنی» (Bāmistūn) به بهشت بازمی‌گردد؛ همان ستونی نورانی که در مانویت ایرانی «سروش‌آهرای» (Srōšahrāy) و در همین بند از رسالهٔ چینی ما Su-lu-sha-lo-i نامیده شده و این همان چیزی است که سبب شده نویسندهٔ چینی از لفظ «مارسپَند، مَهْرَسپَند، آمَهْرَسپَند» یا همان امشاسپند برای هفت‌گانه‌اش استفاده کند - ایزد سروش هفتمین امشاسپند در ایزدستان زرتشتی است. غیر از وجه الهیاتی این همگون‌سازی، احتمالاً متن چینی با به‌کارگیری لفظ «مارسپَند» قصد داشته امهرسپندان مانوی را گونه‌ای از همان امشاسپندان زرتشتی نشان دهد و با چنین شبیه‌سازی‌ای نوعی همدلی میان دو جامعه زرتشتی و مانوی ایجاد کند. تاریخ تبلیغات مانوی نشان می‌دهد که هم مانی و هم پیروانش همواره از این روش برای جذب زرتشتیان استفاده

می‌کرده‌اند. (در این زمینه، نک شکری فومشی، ۱۳۹۴، صص. ۶۵-۶۹).

## ۵. نتیجه‌گیری

عدد به‌عنوان عنصری کلیدی در انتقال مفاهیم، نقش مهمی در متون الهیاتی مانوی داشته است. عدد هفت در میان متون مانوی اگرچه مانند عدد پنج و دوازده پربسامد نیست؛ ولی مانویان به آن نیز به اندازه عدد پنج توجه داشته‌اند تا هم به سنت بین‌النهرینی - بابلی خود ارج نهند و هم از اعجاز این عدد الهی سود جویند.

نظام عددی به‌کاررفته در متون مانوی بسیار درهم‌تنیده و ساختارمند تدوین شده است. شبکه عددی مانوی هر عدد را درست در جای خود قرار داده، به‌طوری‌که به‌جای عدد هفت عدد دیگری نمی‌توان گذاشت. این عدد در تناظر با عدد بیست‌ودو نقش خود را در *انجیل زنده مانی* به رخ می‌کشد. کاربرد عدد هفت در بخش‌بندی کتاب مهم مانویان، مانند نردبانی است که یک سر آن از دل انجیل مانی بیرون آمده و برای تقدس‌بخشی سر دیگرش را به آسمان متصل می‌کند؛ چراکه به طور حتم اهمیت این عدد ریشه در نجوم باستان دارد.

این پژوهش با کنکاش در دست‌نویس دوزبانه فارسی میانه - پارتی M8259 دریافت که مراد از هفت گوهر، همان هفت کتاب خود مانی است؛ در همین راستا قطعه پارتی M7 و بخشی از متن سغدی M327+M1207 نیز بر این تشبیه تأکید کرده‌اند. از این هفت اثر در زبور مانوی به مثابه هفت ابزار پزشکی در درمان معنوی یاد شده است، همان‌گونه که مانی به استناد متون، خود را پزشکی از بابل زمین می‌دانست. پیامبر نور به حتم طبیب دل‌های زخم‌خورده و روان‌های آسیب‌دیده انگاشته شده است و امت مانوی در پاسداشت چنین ویژگی رسول خود برای ماندگاری دست‌نویس‌های او، آنها را به هر چیز با ارزشی تشبیه می‌کردند.

در همین راستا، در متن M229 آثار مانی به هفت بلوراصیل/ارجمند مانند شده است. کریستیانه رِک در تفسیر این قطعه بر این باور است که منظور از هفت بلور در این قطعه، پنج انسان قدیم به همراه ایزد خروش و پاسخ است.

قطعه فارسی میانه M95<sup>+</sup> مشتمل بر سرودی است از زبان «نفس زنده» و آنچه بر او رفته است. متن کهن از هفت آذر خوشبوی نام می‌برد که شاید اشاره به هفت کتاب مانی باشد. مانویان آثار رسول دین خود را شبیه آذری خوشبو می‌دانستند تا علاوه بر هماهنگ‌سازی دیدگاهشان با

جستجوی هفت‌گوهر شفابخش میان هفت آذر خوشبوی: ۱۸۳...

زرتشتیان مبنی بر اهمیت آتش، عدد هفت را در متون خود گرامی بدارند. قطعه پارتی M5510 نشان می‌دهد که مسئله بخش‌بندی هفت‌گانه/انجیل مانی از بیست و دو فصل کتاب - کتابی که هر بابش یکی از بیست‌ودو آفرینش را نمایندگی می‌کرد - در اصل ریشه در جهان یهودی دارد، ولو مانی این تفکر را به واسطه منابع مسیحی یا گنوسی - مسیحی اقتباس کرده باشد. پیوست مقاله نشان می‌دهد که «هفت مه‌راسپند» در رساله چینی مانوی بازتفسیر مانویان شرق از پنج‌گانه نفس زنده (پنج پسر انسان قدیم) است. عدد هفت مانوی نه‌تنها در عمق جان نگرش میان‌رودانی و ایرانی مانی و پیروانش ریشه داشته، بلکه از سوی دیگر از میراث گنوسی - مسیحی نیز بی‌بهره نبوده است. مانی را باید بزرگ‌ترین نظام‌بخش الهیات اعداد در جهان باستان دانست.

کوتاه‌نوشت‌ها

<i>CMC</i>	<i>Codex Manichaicus Coloniensis; Kölner Mani-Kodex; Cologne Mani-Codex</i> , in: Koenen–Römer 1988
<i>KPT</i>	Sundermann, 1973
<i>Mir.Man.</i> ii-iii	Andreas & Henning, 1933-1934
<i>PsB</i> II	Allberry, 1938

## کتابنامه

- اسکات، دی. ای (۱۴۰۱). واکنش‌های مانویان در برابر دین زرتشتی. دین زرتشتی و ادیان دیگر (مجموعه مقالات) (ترجمه میرمسعود صدری. ویراستاران علمی: سید سعیدرضا منتظری و مجید طامه). دانشگاه ادیان و مذاهب، صص ۱۷۸-۲۱۰
- اسماعیل‌پور، ا. (۱۳۸۶). سرودهای روشنایی. اسطوره.
- آلبری، س. آر. سی. (۱۳۹۶). زبور مانوی (ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور مطلق). هیرمند.
- بهار، م و اسماعیل‌پور، ا. (۱۳۹۳). ادبیات مانوی. کارنامه.
- تاردیو، م. (۱۴۰۲). کیش مانوی (ترجمه محمد شکرکی فومشی و ایرج جمشیدی). دانشگاه ادیان و مذاهب.
- شکرکی فومشی، م. (۱۳۹۴). واژه‌های فنی در ادبیات مانوی. رویکردی ساختارشناسانه به اسامی خاص، مفاهیم و اصطلاحات بومی. تاریخ و فرهنگ ایران باستان، ش ۱، صص ۶۵-۶۹.
- شکرکی فومشی، م. (۱۳۹۷). آفرینش جهان با کلام ایزدی. رهیافتی متن‌شناسانه به یک انگاره قرآنی بر اساس برخی مدارک یهودی، مسیحی و مانوی. مطالعات تطبیقی قرآن کریم و متون مقدس، س ۱، ش ۱، صص ۱۳۳-۱۵۳.
- شکرکی فومشی، م. (۱۴۰۲). فرشتگان مانوی: پژوهشی در فرشته‌شناسی و مفاهیم وابسته در کیش مانوی. دانشگاه ادیان و مذاهب.
- شیمیل، آ. م. (۱۳۸۸). راز اعداد. (ترجمه فاطمه توفیقی). دانشگاه ادیان و مذاهب.
- قریب، ب. (۱۳۸۶). سخنی درباره منوهدم روشن (نوس روشن). (پژوهش‌های ایرانی باستان و میانه، به کوشش محمد شکرکی فومشی). طهوری، ۱۳۸۶، صص ۱۳۹-۱۴۸.
- نورآقایی، آ. (۱۳۸۷). عدد، نماد، اسطوره. افکار.
- Allberry, C. R. C. (1938). *A Manichaean Psalm-book. Part II*. Stuttgart.
- Andreas, F. C. & W. B. Henning (1933-34). *Mitteliranische Manichaica aus Chinesisch-Turkestan*. ii & iii SPAW, Berlin.
- Bahar, M. & A. Esmailpour (2014). *Adabiyāt-e Mānavī [Manichaean Literature]*. Tehran. [In Persian]
- Boyce, M. (1975). *A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian*. Téhéran-Liège (Acta Iranica 9a).
- Chavannes, E. & P. Pelliot (1912). *Un traité manichéen retrouvé en Chine*. Paris, Imprimerie nationale [repr. JA 18, 1911, pp. 499-617].

- Doering, L. (1997). The concept of the Sabbath in the Book of Jubilees. *Studies in the Book of Jubilees* (ed. M. Albani et al.). Tübingen, pp. 179-206.
- Esmailpour, A. (2007). *Sorudhā-ye Rošānāē [The Light Hymns]*. Tehran [In Persian]
- Gardner, I., J. BeDuhn & P. C. Dilley (2018). *The Chapters of the Wisdom of My Lord Mani. Part III: Pages 343-442 (Chapters 321-347)*. Leiden–Boston.
- Gharib, B. (2007). Soxani darbāre-ye Manohmed Rošan (Nous-e Rošan) [A Word on the Light-Nous]. in: Idem, *Pažuhešhā-ye Iranī-ye Bāstān va Miyāneh [Ancient and Middle Iranian Studies]*, ed. by M. Shokri-Foumeshi. Tehran, pp. 139-148 [In Persian]
- Henning, W. B. (1942). Mani's Last Journey. *BSOAS* 10, pp. 941-953.
- Henning, W. B. (1943). The Book of the Giants. *BSOAS* 11, pp. 52–74.
- Koenen, L. & C. Römer (1988). *Der Kölner Mani-Kodex (Über das Werden seines Leibes)*. Kritische Edition aufgrund der von A. Henrichs und L. Koenen besorgten Erstedition. Opladen.
- Morano, E., M. Shokri-Foumeshi & N. Sims-Williams (2022). The 'Seven Efficacious Jewels': The Manichaean scriptures in an unpublished Sogdian text. in: *The Reward of the Righteous. Festschrift in Honour of Almut Hintze*, ed. by A. Cantera, M. Macuch, and N. Sims-Williams. *Iranica* 30, pp. 361-369.
- Nouraghaei, A. (2008). *Adad, Namād, Ostureh. [Number, Symbol, Myth]*, Afkar. [In Persian]
- Pettipiece, T. (2009). *Pentadic Redaction in the Manichaean Kephalaia*. Leiden, Boston.
- Reck, C. (1992). Ein weiterer parthischer Montagshymnus. *Altorientalische Forschungen* 19/2: 342-349.
- Schimmel, A.-M. (1984). *Rāz-e Adad [Das Mysterium der Zahl. Zahlensymbolik im Kulturvergleich]*. Translated into Persian by Fatemeh Toufighi. Qom [In Persian]
- Schmidt-Glitzner, H. (1987). *Chinesische Manichaica, Mit textkritischen Anmerkungen und einem Glossar*. Wiesbaden.
- Scott, D. A. (1989). Manichean Reactions to Zoroastrianism (Politico – Religious controversies in Iran, past to Present:3). *Religious Studies*. vd4, pp. 435-457.
- Shokri-Foumeshi, M. (2015). Vāžehā-ye Fannī dar Adabiyyāt-e Mānavī: Roykardī Sāxtāršenāsāneh be Asāmī-ye Xāss Mafāhīm va Eštelāhāt-e Būmī. [Technical Terms in Manichaean Literature. A Structural Approach to Proper Names, Concepts, and Native Terms], *Tārīx va Farhang-e Irān-e Bāstān [History and Culture of Ancient Iran]*, vol. 1, pp. 65-69 [In Persian]

- Shokri-Foumeshi, M. (2018). Afarīneš-e Jahān bā Kalām-e ‘Izādī: Rahyāftī Matnšēnāsāneh be yek Engāreh-ye Qorānī bar Asās-e Barxī Madārek-e Yahūdī, Masīhī va Mānavī. [The Creation of the World by the Divine Word: A Textual Approach to a Quranic Concept Based on Some Jewish, Christian, and Manichaeic Evidences], *Motāle’āt-e Taṭbiqī-e Qorān va Mutūn-e Moqaddas* [Comparative Studies of the Holy Quran and Sacred Texts], vol. 1, no. 1, pp. 133-153 [In Persian]
- Shokri-Foumeshi, M. (2023). *Fereštēgān-e Mānavī: Pažūhešī dar Fereštēhšenāsī va Maḡāhīm-e Vābasteh dar Kīš-e Mānavī* [Manichaeic Angels: A Study in Angelology and Related Concepts in the Manichaeism]. Qom [In Persian]
- Shokri-Foumeshi, M. (2025). *Mani’s Living Gospel and the Ewangeljōnīg Hymns*. (Corpus Fontum Manichaeorum, Iranica III), Turnhout.
- Sundermann, W. (1973). *Mittelpersische und parthische kosmogonische und Parabeltexte der Manichäer*. Mit einigen Bemerkungen zu Motiven der Parabeltexte von Fr. Geissler, Berlin (BTT IV).
- Sundermann, W. (1992). *Der Sermon vom Licht-Nous: Eine Lehrschrift des östlichen Manichäismus. Edition der parthischen und soghdischen Version*. (BTT XVII), Berlin.
- Tardieu, M. (1981). *Manichaeism*. Translated from the French by M. B. DeBevoise, Urbana–Chicago.